

## رابطه علم و دین

### در مسیحیت کاتولیک و اسلام

تلقی می‌کردند. گالیله که ۴۰۰ سال پیش با کمک تلسکوپ خود شواهد دقیقی بر ضد نظریه «مرکزیت زمین» به دست آورده بود، علی‌رغم دوستی با پاپ زمان خود «باترن باربرانی» که با نام «اوربان هشتم» به این منصب رسیده بود، نتوانست از چنگال دادگاه تفتیش عقاید بگریزد و پس از محاکمه، هر چند جان خود را نجات داد ولی روحش هرگز مورد بخشش قرار نگرفت.

تنها در اواخر قرن بیستم بود که پاپ ژان پل دوم با تشکیل شورایی ویژه، پس از بررسی‌های طولانی، گالیله را عفو کرد، ولی بر خلاف او «جوردانو برونو» کشیش ایتالیایی که عقاید نوآورانه زیادی ارائه کرد، جان خود را از دست داد.

روابط «واتیکان» با دانش تجربی در تاریخ، نشیب و فرازهای فراوانی داشته است. در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی واتیکان بیش از آن که سعی در تقویت ایمانی مردم داشته باشد، در پی تحکیم امپراتوری خود بود. در این دوران، برخی از پیشتازان عرصه علم، قربانی سیاست‌های کلیسایی شدند و گروهی از آنان در اثر سال‌های طولانی شکنجه، تحمل بازجویی‌های غیر معمول، ناگزیر شدند راه تو را پیش گیرند و برخی دیگر جان خود را از دست دادند.

نظریه قدیمی بطلمیوس یکی از موضوعی بود که پاپ‌ها و نظام کلیسای کاتولیک بر آن پای می‌فشردند و هرگونه مخالفت با آن را در حکم کفر و ارتداد

روبرو شد و وقتی که قصد سخنرانی در مراسم آغاز سال تحصیلی پیشین، در دانشگاه رم را داشت با مخالفت دانشجویان روبرو شد و برای اولین بار در تاریخ، یک پاپ نتوانست به محلی برای سخنرانی در شهر رم برود.

\*\*\*

چالش میان علم مدرن و کلیسای کاتولیک در آغاز هزاره سوم میلادی به نقطه بحران رسیده است، واتیکان رهبری یک ششم جمعیت کره زمین را برعهده دارد و بسیاری از پیروان آن در کشورهای عقب مانده در معرض خطرهای ناشی از رشد بیماری‌های عفونی، گرسنگی و روش‌های غیر بهداشتی زندگی قرار دارند و بخشی از آنان در آفریقا زندگی می‌کنند که بالاترین شمار مبتلایان به «ایدز» را در خود جای داده است.

جامعه پزشکی به طور جدی به جامعه این کشورها توصیه می‌کند از روش‌های پیشگیرانه استفاده کنند، اما واتیکان آن را در ردیف گناهان عصر جدید قرار داده و علم پزشکی جدید،

برونو هم مانند کپرنیک به نظام «زمین مرکزی» انتقاد داشت و عقاید دیگری چون امکان وجود حیات در جهان دیگر ارائه نمود، و سرانجام در ۱۷ فوریه ۱۶۰۰ در آستانه قرن جدید در میدان شهر رم به دست دادگاه تفتیش عقاید این شهر سوزانده شد.

واتیکان امروز، نه تنها از رفتار خود با «گالیله» و «برونو» عذرخواهی نکرده است، بلکه همچنان در برابر برخی نظریات علمی مقاومت می‌کند، مثلاً روش‌های پزشکی مدرن، و یا تحقیق درباره تکامل تدریجی حیات همچنان از نظر واتیکان تحریم می‌شود.

از تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۸۴ که کاردینال «ژوزف راینگر» به مقام پاپی برگزیده شد، و لقب «بندیکت شانزدهم» را گرفت، دوباره بحث محکومت گالیله زنده شد و پاپ فهرستی از گناهان جدید را مطرح کرد که تحقیقات پزشکی سلولی، و روش‌های پیشگیری از بیماری‌های جنسی در میان آنها بود.

پاپ جدید با مخالفت جامعه علمی

بسیاری از بیماری‌ها را به جای «دارو درمانی»، از طریق «سلول درمانی» انجام می‌دهد که آن هم از نظر کلیسا حرام است.

اخیراً دیداری میان پاپ «بندیکت شانزدهم» با «استفان هاوکینگ» مردی که فراتر از جایگاه علمی‌اش، به نمادی برای دانش نوین تبدیل شده، رخ داد که برخی، آن را نشانه‌ای از بهبود روابط علم و دین (مسیحی کاتولیک) می‌دانند.

اما در عین حال پاپ کنونی که نسبت به پاپ پیشین، سخت‌گیرتر است، در این دیدار تأکید کرد که نباید تلاش‌های دانشمندان با باورهای واتیکان تضادی داشته باشد که می‌تواند نشانه تداوم نبردی طولانی میان واتیکان و علم باشد.

\*\*\*

در برابر این کشمکش میان دین و علم در مسیحیت کاتولیک، نظری به آیین اسلام بیفکنیم تا از موضع آن در برابر این پدیده، آگاه شویم:

موضع اسلام درباره علم را از بررسی آیات قرآن می‌توان به دست

آورد. قرآن مجید در آیات زیادی، پرده از اسرار عالم آفرینش برداشته، و پیوسته ما را به تفکر در نظام هستی دعوت می‌کند، و تفکر در نظام آفرینش را از نشانه‌های ایمان می‌داند، تا آنجا که می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا﴾ (آل عمران/ ۱۹۱)

«آنان که در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند و می‌گویند خدایا تو این نظام را بی هدف نیافریدی...».

وجود این آیات، و دعوت به تفکر در آفرینش سبب شد که در اندک زمانی، مسلمانان بر علوم موجود آن زمان، از طبیعی و ریاضی دست یافته و به پیشرفت‌های عظیمی نایل شوند، تا آنجا که پیشوای ششم، امام صادق علیه السلام، به تربیت دانشمندانی مانند جابر بن حیان طرطوسی پرداخت.

خوشبختانه خاورشناسان منصف به این حقیقت اعتراف کرده‌اند و در این مورد کافی است که دو کتاب را مطالعه کنیم:

نداشته است تا آشتی کند، ولی در عین حال، علمی را می‌ستاید که در خدمت بشریت و سعادت او باشد نه علمی که مایه کشتار انسان‌های بیگناه و جمعیت‌های بی دفاع باشد، از این جهت در کنار علم، ایمان را می‌آورد که کنترل کننده علم باشد و می‌فرماید:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ...﴾<sup>(۱)</sup>

«به آنان که دانش و ایمان داده شده

گفتند...»

۱. میراث اسلام به قلم گروهی از شرق شناسان.

۲. «شمس العرب تطلع علی الغرب»، تألیف خانم زیگریدهونکه آلمانی که در چاپ دوم، عنوان کتاب اصلاح شده و «شمس اللّٰه تطلع علی الغرب» نامیده شده که ترجمه واقعی عنوان آن به زبان آلمانی است.

اسلام از روز نخست با علم و دانش همگام بوده و هرگز با علم ستیزی

### از آخرین سرودهای جلال الدین همایی

دور پیری رسیده است و مرا	سستی طبع و ضعف حال بود
قامتم تیر بود و گشت کمان	تیر را در کمان زوال بود
رفته‌ام پای خسته تا لب گور	باز برگشتم زوال بود
شاخص عمرها بوقت زوال	سایه عمر لا یزال بود
چشم امید من به هر دو سرای	به خدای و نبی و آل بود